

مدیریت راهبردی فرآیند مشارکت سیاسی با بهره‌گیری از فرهنگ سیاسی

(مطالعه موردی: استان سیستان و بلوچستان)

سیدعلی داودی*

چکیده

توسعه فرهنگی با هدف پیشرفت و پویایی نظام‌مند جامعه، از طریق برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی و اولویت ویژه‌ای که برای ارزش‌های بومی و ملی قائل شده، نیازهای معنوی و مادی افراد جامعه را تأمین نموده و می‌توان از آن برای ارتقاء سطح عوامل تأثیرگذار بر رشد و تعالی جامعه استفاده کنیم. از سوی دیگر، رابطه دوسویه‌ای میان توسعه فرهنگی و مشارکت برقرار است. لذا برای تبیین خرده‌فرهنگ‌های مشارکت و بالأخص مشارکت سیاسی، تحولات فرهنگی نیاز است که زمینه مشارکت اعضای یک جامعه را در امور سیاسی فراهم کند. از سوی دیگر، بخش قابل‌توجهی از رفتارهای سیاسی، خاصه مشارکت سیاسی نیازمند باورهای فرهنگی مناسب و سازگار با توسعه سیاسی است. لذا پژوهش حاضر با استفاده از روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از تکنیک SWOT، کمک منابع کتابخانه‌ای، مصاحبه‌های باز و نیمه‌ساختاریافته و آمار منتشره از مراجع رسمی، از طریق استدلال قیاسی و استقرائی و... داده‌های گردآوری‌شده را ارزیابی، تجزیه و تحلیل نموده و به شناسایی و بررسی عوامل مؤثر در مشارکت سیاسی ساکنان استان سیستان و بلوچستان پرداخته که نتایج حاصله نشان‌دهنده تأثیرگذاری پارامترهای قومیت‌گرایی، مذهب‌گرایی، جریان‌های سیاسی، تحصیلات و نخبگان بر فرآیند مشارکت سیاسی است و سه راهکار محافظه‌کارانه یعنی پیوند نیازهای روز افراد با فعالیت‌های اجتماعی، اعتمادسازی گروه‌های مرجع و توجه به نقش مردم به‌عنوان سرمایه اجتماعی در انتخابات جهت افزایش میزان مشارکت سیاسی با بهره‌گیری از خصیصه‌های فرهنگ سیاسی در بلندمدت ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: مدیریت راهبردی، مشارکت سیاسی، راهکارهای محافظه‌کارانه، فرهنگ سیاسی

* دکتری مدیریت، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان، ایران
ali.da67@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۷/۹/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۲۲
فصلنامه راهبرد فرهنگی-اجتماعی، سال هشتم، شماره سی، بهار ۱۳۹۸، صص ۲۰۲-۱۷۵

مقدمه

مشارکت شامل شفافیت، باز بودن فضای جامعه و چندصدایی بودن حوزه‌ی عمومی جامعه است. مشارکت امکان تصمیم‌گیری افراد را که در سرنوشت خودشان مؤثر است بالا می‌برد و به این ترتیب همه می‌توانند در اثربخشی نهادهای جامعه همیاری کنند. مشارکت کیفیت تصمیم‌ها را بالا می‌برد و مدیران را کمک می‌کند تا تغییرات لازم را برنامه‌ریزی کنند که قبل از انجام این تغییرات باید پذیرفته شود که مشارکت این امکان را نیز فراهم می‌کند. مشارکت سیاسی در چارچوب‌های متعارف و قانونی یکی از معیارهای توسعه سیاسی در کشورهای جهان به شمار می‌آید. با گسترش روزافزون بحث مشارکت سیاسی در دهه‌های اخیر، هم‌اکنون این بحث یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مفاهیم در علوم سیاسی و اجتماعی به شمار می‌رود. امروزه متفکران و صاحب‌نظران توسعه، مشارکت را از مهم‌ترین ارکان توسعه به شمار می‌آورند و در توسعه سیاسی برای آن اهمیتی دوچندان قائل هستند. مشارکت در قالب‌های گوناگون، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... صورت می‌گیرد. طبیعی است همواره بین فرد مشارکت‌کننده و جامعه ارتباط وجود دارد، برای مثال در مشارکت سیاسی بین فردی که مشارکت سیاسی دارد و نظام سیاسی حاکم بر جامعه ارتباط متقابل وجود دارد و طبیعی است که بالابودن سطح این مشارکت بیانگر بالابودن فرهنگ مشارکت سیاسی است. همیشه در استان سیستان و بلوچستان بحث‌های قومی و قبیله‌ای در مسائل سیاسی مطرح بوده و آمار مشارکت مردم در فعالیتهای سیاسی مانند انتخابات نشان می‌دهد که مردم این استان به مشارکت سیاسی اهمیت داده و به اصول

انقلاب اسلامی پایبند می‌باشند. بنابراین مشارکت مردم در انتخابات مختلف اعم از انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات مجلس شورای اسلامی، انتخابات مجلس خبرگان، انتخابات شورای شهر بزرگ‌ترین مشارکت سیاسی است و لذا مطالعه فرهنگ سیاسی استان سیستان و بلوچستان و تأثیر آن بر مشارکت سیاسی پس از انقلاب اسلامی ایران از اهمیت بالایی برخوردار است. بر این اساس، پژوهش حاضر به مطالعه فرهنگ سیاسی استان سیستان و بلوچستان و تأثیر آن بر مشارکت سیاسی پرداخته است.

بنابراین پرسش اصلی پژوهش حاضر عبارت است از فرهنگ سیاسی استان سیستان و بلوچستان بر مشارکت سیاسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی چه تأثیری داشته است؟

فرضیه اصلی نویسنده آن است که در سال‌های اخیر مشارکت سیاسی در استان با توجه به تأثیرپذیری فرهنگ سیاسی از متغیرهایی از قبیل محوریت قوم‌گرایی و طایفه‌گرایی، مذهب، جنسیت، مهاجرت، نخبگان و روحانیت ذی‌نفوذ آموزش، سواد و غیره به لحاظ کمیت افزایش چشمگیری داشته است.

لذا این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و بهره‌گیری از تکنیک سوات^۱ به کمک منابع کتابخانه‌ای، از طریق استدلال قیاسی و استقرائی، تمثیل و تشبیه، نشانه‌یابی، تجرید، تشخیص تفاوت و تمایز و مقایسه، داده‌های گردآوری شده را ارزیابی و تجزیه و تحلیل نموده و به دنبال تحقق اهدافی از قبیل شناسایی جنبه‌های مختلف سیاسی در استان سیستان و بلوچستان و میزان تأثیر عناصر این فرهنگ بر مشارکت سیاسی، شناخت تأثیر عوامل مرتبط با فرهنگ سیاسی در فرایند توسعه سیاسی در استان سیستان و بلوچستان، شناسایی موانع مشارکت سیاسی و راه‌حل رفع موانع است.

۱. ادبیات پژوهش

۱-۱. مفهوم فرهنگ

تعریفی که هر جامعه با توجه به مکتب و شرایط خاص خود از فرهنگ ارائه می‌دهد با جامعه دیگر متفاوت است، چرا که تعاریف برحسب ارزش‌های حاکم بر هر جامعه با هم فرق دارد. فرهنگ دو جنبه مادی و معنوی دارد که در محیط انسانی ساخته می‌شود و به همین دلیل پایه و اساس رفتارهای انسان است، به عبارتی رفتار انسان بازتاب شرایط فرهنگی اوست و درهرحال فرهنگ انسان، حاکم بر اعمال و رفتار او خواهد بود. علت اینکه رفتار ملت‌های گوناگون با هم فرق دارد، همین تفاوت فرهنگ‌هاست که رفتار از آن ناشی می‌شود.

عده‌ای از اندیشه‌ورزان ضمن تعریف فرهنگ به‌عنوان تمامی دستاوردهای مادی و معنوی انسان، کاوشگرانه‌تر با آن برخورد کرده، آن را به آرایش پندارها، نمادها، گفتمان‌ها، ارزش‌ها، نهادها، سلسله‌مراتب، الگوهای رفتاری تفسیر کرده‌اند که آن را انسان از طریق دگرگونی طبیعت و جامعه در راه برآورده کردن نیازهای تاریخی‌ش خلق کرده یا می‌کند (اخترشهر، ۱۳۸۶: ۵۲).

۱-۲. مفهوم مشارکت و مشارکت سیاسی

مشارکت^۱ در لغت به معنای همکاری کردن، شرکت داشتن و شریک شدن است. مشارکت در قالب‌های گوناگون، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... صورت می‌گیرد. طبیعی است همواره بین فرد مشارکت‌کننده و جامعه ارتباط وجود دارد. مشارکت درواقع شرکت داوطلبانه گروهی از مردم در برنامه‌ها و طرح‌های سیاسی - اجتماعی است که در توسعه ملی نقش اساسی دارند. مشارکت برانگیختن سیاسی حساسیت مردم و در نتیجه افزایش درک و توان آن‌ها برای پاسخگویی به طرح‌ها و برنامه‌های توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی است (جعفری‌نیا، ۱۳۹۱: ۹۱).

۳-۱. مفهوم فرهنگ سیاسی

در عصر کنونی از فرهنگ به‌عنوان مجموعه‌ای شامل ارزش‌ها، فرآورده‌های هنری، مذهبی، فلسفی، ذوقی و عاطفی یاد می‌شود که ضامن حیات جوامع انسانی و تمدن بشری است. لذا می‌توان گفت فرهنگ سیاسی مجموعه نگرش‌ها و ارزش‌هایی است که بر فرایند و زندگی سیاسی تأثیر می‌گذارد و درواقع یک نظام سیاسی تنها از ساختارها تشکیل نمی‌شود، بلکه شامل مجموعه‌ای از طرز فکرها و رفتارهای کم و بیش به‌هم پیوسته است که به آن فرهنگ سیاسی می‌گویند. نظریه‌های متعددی به تبیین فرهنگ سیاسی پرداخته‌اند و هرکدام عوامل خاصی را در شکل‌گیری فرهنگ سیاسی مؤثر دانسته‌اند که ازجمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به نظریه آلموند^۱ و وربا^۲ اشاره کرد. آلموند و وربا با بررسی ویژگی‌های فرهنگی آمریکا، انگلستان، ایتالیا و مکزیک سه نوع فرهنگ سیاسی را شناسایی کردند: فرهنگ سیاسی بسته یا محدود، فرهنگ سیاسی فعال یا مشارکتی و فرهنگ سیاسی تبعی یا انفعالی (جهانگیری و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۶).

۴-۱. توسعه سیاسی

توسعه سیاسی با برخی مفاهیم ازجمله مشارکت سیاسی، فرهنگ سیاسی، تبلیغات سیاسی، ارتباطات سیاسی و از همه مهم‌تر نوسازی مرتبط است. با اینکه نوسازی و توسعه گاهی مترادف به کار می‌روند، اما برخی از محققان، توسعه سیاسی را خیلی کامل‌تر از نوسازی تلقی می‌کنند و معتقدند نوسازی در بطن توسعه سیاسی است. نوسازی سیاسی را می‌توان فرایندی تلقی کرد که طی آن، نقش‌های کارکردی استراتژیک جامعه به سازندگی و تولید مبادرت می‌ورزند (نظری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۸).

۵-۱. اهمیت مشارکت سیاسی

امروزه مشارکت سیاسی به‌عنوان مهم‌ترین شاخص توسعه سیاسی ملت‌ها به

1. Almond

2. Verba

امری گریزناپذیر تبدیل شده است. این امر در کشورهای جهان سوم به شکلی حساس تر خود را نشان می‌دهد. دولت‌ها نیز ناچارند برای کسب مشروعیت به مشارکت سیاسی تن دهند. از طرف دیگر میزان بالای مشارکت سیاسی مردم در زمینه تصمیمات و خط‌مشی‌های سیاسی بر فرهنگ توسعه‌یافته و توسعه‌یافتگی فرهنگ سیاسی آن جامعه دلالت دارد. از منظر دینی، مشارکت سیاسی فعال و حساسیت نسبت به سرنوشت خود و جامعه، نه تنها یک حق، بلکه یک تکلیف حتمی و ضروری و ارزشی مطلوب برای عموم جامعه است. از این‌رو، بررسی نقش، جایگاه و کارکردها در نظام سیاسی و ضرورت بهره‌مندی جامعه از توانمندی‌ها در اداره امور می‌تواند یکی از شرایط اجتناب‌ناپذیر توسعه سیاسی و اجتماعی باشد. سیاسی‌بودن در حدی که در برابر سرنوشت خود و جامعه حساس باشد و نسبت به مسائل داخلی و خارجی و جریان‌های موجود دارای بینش و تحلیل سیاسی باشد. از این‌رو، پرداختن به مقوله مشارکت سیاسی از منظر دانشجویان می‌تواند روشنگر یکی از ابعاد توسعه‌یافتگی باشد (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۶۴). عالی‌ترین نماد مشارکت سیاسی و دخالت مردم در امور سیاسی، شرکت آنان در انتخابات است و هر چه میزان مشارکت مردم در انتخاب نمایندگان و مسئولان بیشتر باشد، نظام از مقبولیت، استحکام اجتماعی و ثبات سیاسی بیشتری برخوردار خواهد بود؛ بنابراین دموکراسی و حاکمیت مردم از طریق حضور و مشارکت آنان در صحنه‌های انتخابات و تعیین سرنوشت جمعی تبلور می‌یابد.

۱-۶. رویکردهای مطرح‌شده برای فرهنگ سیاسی

رویکردها و نگرش‌های مختلفی در زمینه فرهنگ سیاسی مطرح است که ما می‌توانیم به موارد زیر به صورت خلاصه اشاره کنیم.

● دیدگاه کارکردگرایی: آلموند و وربا در اثر معروف خود فرهنگ مدنی، منظور از فرهنگ سیاسی را این‌طور بیان می‌کنند: «زمانی که ما از فرهنگ سیاسی یک جامعه صحبت می‌کنیم به نظام‌های سیاسی، آن‌چنان‌که در شناخت احساسات و ارزشیابی افراد آن نظام درونی شده‌اند، برمی‌گردیم». پس شناخت، احساسات و

ارزشیابی افراد در ارتباط با ساختار سیاسی، هسته اصلی مفهوم فرهنگ سیاسی را تشکیل می‌دهند (محمدی‌فر و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۰۹).

● **دیدگاه نظم‌گرا:** بر اساس این رویکرد، نظام سیاسی هر کشوری نتیجه عوامل دینی، تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی است که فرهنگ سیاسی پویای آن کشور را تشکیل می‌دهد. در مجموع طیفی از خصلت‌ها، ویژگی‌ها، روحیه‌ها، ارزش‌ها، ایستارها و احساس‌ها، ملّت‌ها را از همدیگر متمایز می‌کند و مجموع ارزش‌ها، ایستارها و خصلت‌ها، ساختار فرهنگی ویژه خود را بنا می‌کند، هرچند با گذشت زمان، تحولات سیاسی و اقتصادی متحول می‌شود (قالیباف و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۲).

● **نظریه فرهنگ مدنی:** آلموند و وربا در کتاب فرهنگ مدنی معتقدند فرهنگ سیاسی به نظام سیاسی اشاره می‌کند که در شناخت‌ها، احساسات و ارزیابی مردم درونی شده باشد. اندیشمندان مذکور در قالب ضوابط بالا سه نوع فرهنگ سیاسی که عبارتند از فرهنگ سیاسی محدود^۱، فرهنگ سیاسی تبعی^۲ و فرهنگ سیاسی مشارکتی^۳ را ترسیم می‌کنند (پناهی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴).

● **فرهنگ سیاسی محدود:** در این نوع فرهنگ، جهت‌گیری‌های افراد به هدف‌های سیاسی، فوق‌العاده ضعیف است و مردم تصور نمی‌کنند که می‌توانند در شکل‌گیری و دگرگونی هدف‌های سیاسی مؤثر باشند. افراد نه نسبت به نهادهای سیاسی کشور و نیز مسائل و تصمیم‌های ملی احساس وابستگی می‌کنند و نه تصویر روشنی از نظام سیاسی در ذهن دارند (محمدی‌فر و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۰۹).

۷-۱. نظریات در رابطه با مشارکت سیاسی

رویکردها و نگرش‌های مختلفی در زمینه فرهنگ سیاسی مطرح است که ما می‌توانیم به موارد زیر به صورت خلاصه اشاره کنیم.

-
1. The parochial political culture
 2. The subject political culture
 3. The participant political culture

● **نظریه کارکردگرایی:** در این نظریه، دوام جامعه به همکاری و توافق اعضای آن بر سر ارزش‌های سیاسی است که این ارزش‌ها به نوبه خود به فرض وجود یک وفاق فراگیر وابسته هستند. هدف از مشارکت سیاسی در قالب رفتار انتخاباتی نیز حفظ و بقای نظام سیاسی است، زیرا با مشارکت سیاسی، پایه‌های اجتماعی قدرت تقویت و مستحکم و از بروز بحران در نظام اجتماعی جلوگیری می‌شود (نوابخش و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۸).

● **نظریه بی‌قدرتی:** بی‌قدرتی به این معنی است که فرد احتمال دهد یا انتظار داشته باشد که رفتارش نتیجه یا پاداشی را که در پی آن است به همراه نداشته باشد (گلایی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۷۸). این عامل سبب می‌شود که فرد رغبت چندانی به انجام دادن رفتار نداشته باشد و به نوعی ناتوانی در تأثیرگذاری دچار شود.

● **نظریه اثربخش سیاسی:** این نظریه در برابر بی‌قدرتی قرار دارد. اثربخشی سیاسی نگرشی است که بر اثر آن، فرد احساس می‌کند با مشارکت سیاسی خود بر فرایندهای سیاسی اثر گذاشته و بر آن‌ها نظارت می‌کند (هاشمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۰۸). افراد وقتی تصور کنند آنچه انجام می‌دهند بر نتایج سیاسی اثرگذار است و آنچه را آن‌ها می‌خواهند و بیان می‌کنند در دستور کار مسئولان قرار می‌گیرند، بیشتر در امور سیاسی فعال می‌شوند (عطارزاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۵).

● **نظریه فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی:** چند تن از اندیشمندان معتقدند که در تمام نظام‌های سیاسی دست کم دو فرهنگ سیاسی وجود دارد، یک فرهنگ سیاسی نخبگان و دیگری فرهنگ سیاسی توده‌ها. وی اضافه می‌کند در شماری از کشورها ممکن است یک فرهنگ سیاسی توده‌ای شفاف و عمدتاً مشترک وجود نداشته باشد، ولی در عوض چندین فرهنگ سیاسی مردمی وجود داشته باشد که بر اساس طبقه اجتماعی، منطقه، جامعه قومی یا گروه‌بندی اجتماعی از یکدیگر انفکاک یافته است (پناهی و همکاران، ۱۳۸۹: ۶).

● **نظریه ایدئولوژی و تکلیف:** یکی از عوامل دیگری که می‌تواند افراد را به مشارکت در سرنوشت سیاسی جامعه خویش تشویق و تهییج کند، آموزه دینی

است. دین، نظامی از مسئولیت‌ها را طراحی می‌کند که به‌طور دقیق وظایف فرد در آن مشخص است و بر اساس آن شخص متناسب با موقعیت‌های متنوع به پاسخ‌های مناسب اقدام می‌کند. این امر، به‌ویژه در قواعد اسلامی بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. در نظام دینی و باورهای اسلامی، بر التزام دینی بیش از هر چیز تأکید می‌شود (امام‌جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۴).

● **نظریه فرهنگی سیاسی مشارکتی:** در این نوع فرهنگ سیاسی شاخص‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد، امنیت و انسجام) به میزان بالایی وجود دارد. آلموند فرهنگ سیاسی را به سه سطح تقسیم کرده و تأکید می‌کند که در هر جامعه نوع خالصی از فرهنگ سیاسی مشاهده نشده، بلکه ترکیبی از این انواع دیده می‌شود: فرهنگ سیاسی محدود به‌عنوان پایین‌ترین سطح، فرهنگ سیاسی تبعی یا انقیادی به‌عنوان سطح میانی و فرهنگ سیاسی مشارکتی به‌عنوان بالاترین سطح تعریف شده‌اند. هرچه در یک جامعه فرهنگ سیاسی از سطح پایین یا محدود به سطح بالا یا مشارکتی نزدیک‌تر شود، می‌توان گفت نظام سیاسی آن جامعه در بُعد فرهنگی توسعه‌یافته‌تر است (محمدی‌فر و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۱۰).

● **نظریه سودمندی مشارکت سیاسی:** بر اساس این نظریه، انسان‌ها بر اساس محاسبه سود و زیان دست به اقدام می‌زنند. افراد تنبل قبل از اینکه دست به هر مشارکت سیاسی بزنند عاقلانه بررسی می‌کنند که آیا از مشارکت سیاسی خاصی برای آنان سودی حاصل خواهد شد یا خیر. در صورتی که سودی از آن نوع مشارکت متصور نباشد یا احتمال زیانی از آن مشارکت متوجه آن شود، از چنان مشارکت سیاسی خودداری خواهند کرد، در غیر این صورت وارد میدان مشارکت سیاسی خواهند شد (دارابی، ۱۳۹۴: ۶۳).

۲. فرهنگ سیاسی استان سیستان و بلوچستان

۱-۲. ویژگی‌های خاص استان سیستان و بلوچستان

۱. موقعیت استان به‌عنوان گذرگاه بین‌المللی مواد مخدر و همسایگی با دو کشور پاکستان و افغانستان به‌عنوان زمینه‌ساز ناامنی و تردهای غیرمجاز از مرزهای

استان و مانع برقراری امنیت و انباشت سرمایه و گسترش فعالیت‌های رسمی اقتصادی؛

۲. رواج فرهنگ عشیره‌ای و طایفه‌ای و برخی باورها و نگرش‌های سنتی و ضدتوسعه به‌عنوان عامل بازدارنده نهادهای نوین اقتصادی و اجتماعی و ناکارآمدی آنها؛

۳. محرومیت استان در زمینه زیربناها و شکاف گسترده در مقایسه با سطح ملی با وجود سرمایه‌گذاری‌های زیاد برای توسعه آنها؛

۴. درآمد سرانه پایین، گستره و عمق فقر در شدیدترین شکل آن در استان، وجود تعداد بسیار زیاد خانواده‌های بی‌سرپرست و بدسرپرست، وجود شمار بسیار زیادی از جمعیت تحت پوشش نهادهای حمایتی؛

۵. فقدان مشارکت مؤثر مردم در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و ضعف جدی در برخورداری از نهادهای کارفرمایی، سرمایه‌گذاری، پیمانکاری و مشاوره بخش خصوصی استان؛

۶. فاصله شاخصه‌ای توسعه انسانی با سطح ملی؛

۷. شکاف بین وضع موجود و مطلوب زیربناها به‌ویژه در زمینه‌های تأمین آب، راه، سوخت و انرژی از یک‌سو و شکاف بین شاخصه‌ای زیربنایی و توسعه اجتماعی و فرهنگی از سوی دیگر؛

۸. نرخ بیکاری بسیار بالا در مقایسه با سطح کشور و رشد سریع و ضریب جوانی بالای جمعیت استان.

۲-۲. ساختار قومیتی در استان سیستان و بلوچستان

استان سیستان و بلوچستان به‌عنوان یکی از استان‌های مرزی کشور جمهوری اسلامی ایران از جایگاه ویژه‌ای در زمینه مسائل قومی و مذهبی برخوردار است. در این استان از سالیان طولانی به دلیل عوامل مختلفی از قبیل دخالت دولت‌های استعماری و جنگ‌های رخ داده بین ایران با کشورهای منطقه تغییرات زیادی در نحوه چیش و حضور قبایل به وجود آمده است و از طرفی همسایگی ایران با دو کشور افغانستان و پاکستان که هنوز در بسیاری از مناطق آن نظام اجتماعی قبیله و

طایفه به قوت خود باقی است، تأثیر فراوانی را بر استان سیستان و بلوچستان گذاشته است. ساخت جامعه بلوچی، ساختی عشایری و روستایی است. بر اساس آمار سال ۱۳۷۵ حدود ۵۲/۷ درصد جمعیت آن را روستاییان تشکیل می‌دهند (سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵) (هرچند این آمار مربوط به کل استان است، ولی واقعیتی انکارناپذیر است که نسبت بلوچ عشایر و روستایی در استان نسبت به فارس‌های شیعه‌مذهب بالاتر است. بلوچ‌های شهرنشین از مهاجران روستایی یا عشایر و اکثریت جمعیت استان، اهل سنت و حنفی‌مذهب هستند.

جدول ۱. توزیع جمعیت استان برحسب صفات قومی-مذهبی (استاندارد سیستان و بلوچستان سال ۱۳۷۹)

ردیف	شهرهای استان	ترکیب مذهبی		قومیت عمده
		شیعه	سنی	
۱	چابهار، خاش، سراوان، ایرانشهر، نیکشهر	۵٪	۹۵٪	بلوچ
۲	زابل	۶۰٪	۴۰٪	سیستانی
۳	زاهدان	۵۰٪	۵۰٪	بلوچ-فارس

۲-۳. طوایف و قبایل استان سیستان و بلوچستان

۲-۳-۱. اقوام و طوایف در منطقه سیستان

از ویژگی‌های مهم سیستان و بلوچستان ساختار اجتماعی آن است و بافت اجتماعی جامعه سیستان و بلوچستان از طوایف مختلفی تشکیل شده است. سیستانی‌ها از اقوام ایرانی و از نژاد آریایی هستند. این قوم از نژاد آریایی بهتر از مردم سایر نقاط، زبان و خصوصیات کلی ایرانیان دوره هخامنشی را حفظ کرده‌اند. اکثریت جمعیت سیستان را اقوام و طوایف مختلف سیستانی (که قریب به ۷ طایفه اصلی و بیش از ۱۰۰ تیره هستند)، تشکیل می‌دهند. علاوه بر اقوام سیستانی و بلوچ، عده‌ای بیرجندی، قاشی، نهبندانی، کرمانی و غیره نیز به تدریج به سیستان مهاجرت کرده و در عمران و آبادی این سرزمین ایفای نقش نموده‌اند که البته درصد آنها اندک است.

۲-۳-۲. اقوام و طوایف در منطقه بلوچستان

در منابع تاریخی و جغرافیایی فارسی و عربی نخستین سده‌های اسلامی در کنار

بلوچان از قوم دیگری به نام کوچ یاد می‌کنند. نام این طایفه (کوچ) به شکل‌های گوناگون و اغلب همراه نام بلوچان آمده است. شکل‌های رایج و ثبت‌شده نام این قوم؛ بلوچ، کوفج، کفج، کوفچ، قبح، قفس و ققص است و جمع آن کوفجان و کوفچان و صورت رایج آن در فارسی کوچ و در عربی ققص است. نام کوچ همواره همراه نام بلوچ آمده و این نام آخری نخستین بار حدود سده چهارم هجری در تاریخ دیده شده که مردمی با این نام و نشان در دشت‌های جنوبی کرمان و در دامن کوهستان بشاگرد پیدا می‌شوند. قوم بلوچ در سیستان بلوچستان، خراسان، مازندران، پاکستان، افغانستان و همچنین مرو و ترکمنستان ساکن هستند. لیکن درصد بلوچ‌ها در منطقه سیستان به نسبت کمتر است.

۲-۴. ویژگی‌های فرهنگی

اکثریت بلوچ‌ها در بلوچستان اهل سنت و حنفی مذهب هستند، از این‌رو بلوچ‌ها با اکثریت ملت ایران که شیعه هستند تفاوت مذهبی دارند. تقریباً بعد از مشروطه، نقش‌آفرینی اهل سنت در سطح ملی، روند کاهنده‌ای داشته است که پیامد آن انزوای نواحی سنی‌نشین، کاهش مشروعیت و مقبولیت حکومت و تنش‌های ناحیه‌ای بوده است. از جمله آداب و رسوم‌های قوم بلوچ عبارتند از: بچار (کمک در امر ازدواج)، چنده (کمک به امور دینی)، بیر (انتقام)، میارجلی (پناهنده‌پذیری)، تعهد به قول، مهمان‌دوستی، حشر و مدد (همیاری و تعاون گروهی)، قسم زن طلاق (برای اعلام تعهد و وفای به عهد)، دیوان (مجلس و همایش بزرگان)، پتر (پذیرش قصور و اشتباه). پوشاک و غذای بلوچ‌ها نیز بیشتر شبیه به کشور همسایه است تا پوشاک و غذاهای ایرانی. سوزن‌دوزی بر لباس زنان بلوچ جزو صنایع دستی مهم کشور به شمار می‌رود. سوزن‌دوزی، سکه‌دوزی، سفال‌سازی، گلیم‌بافی، خورجین‌بافی، جواهرسازی، حصیربافی، خراطی، قالیچه و پلاس‌بافی در شمار صنایع دستی موجود در استان به حساب می‌آیند (عزیزی و آذرکمند، ۱۳۹۰: ۱۰۴).

۲-۵. شاخصه‌های فرهنگ سیاسی در سیستان و بلوچستان

مردم سیستان و بلوچستان دارای فرهنگ مشارکتی قوی بوده و این موضوع در اثر عوامل زیر شدت گرفته است:

۲-۵-۱. قوم‌محوری، طایفه‌گرایی

در گذشته، این عامل در بین اقوام بدوی و همچنین در قرون وسطی و شاید تا همین اواخر به اعتقاد فیلسوفان و نظریه‌پردازان اجتماعی جزء عوامل اصلی همبستگی و هویت ملی به شمار می‌آمد. ولی در حال حاضر با گسترش ارتباطات و اختلاط زیادی که در بین ملل جهان صورت پذیرفته، اندکی اهمیت خود را از دست داده است (احمدی و الوند، ۱۳۹۱).

قومیت در سیستان و بلوچستان شامل دو قومیت بزرگ بلوچ و سیستانی بوده که این عامل خود نیز باعث شکل‌گیری جریانات سیاسی در مشارکت‌های سیاسی شده است. این جریان یک جریان مستقل بوده که بیشتر در غالب قبایل و اقوام پرجمعیت چرخیده است.

۲-۵-۲. زبان و فرهنگ عامه

اصولاً زبان هر ملتی از ارکان اصلی فرهنگ و بیان‌کننده فرهنگ هر ملت محسوب می‌شود. فرهنگ غالباً با تکیه بر زبان، شخصیت و هویت فرهنگی یک ملت را تشکیل می‌دهد. اگر مردم فرانسه «فرانسوی» خوانده می‌شوند، نه تنها به سبب زبان، بلکه به علت فرهنگ که عامل اساسی تشکیل‌دهنده هویت ملی آنها است، فرانسوی خوانده می‌شوند. سنن اجتماعی و رسوم هر ملت، علاوه بر انعکاس و فرایند کارکرد هر ملت، عمده‌ترین عنصر تشخیص‌دهنده هویت ملی ملت هر سرزمین است. داشتن زبان یکسان بین یک قومیت می‌تواند موجبات همبستگی مشارکت را تعیین نماید.

۲-۵-۳. مذهب

در بسیاری از کشورها، عامل دین و مذهب علاوه بر تشخیص هویت فرهنگی و دینی

آن کشور، جزء عوامل شناسایی آن کشور در سطح دنیا و گاه به عنوان عامل مهم همبستگی ملی به شمار می آید. لیکن به این نکته باید اشاره کرد با توجه به اینکه بسیاری از ادیان مختص مردم یک کشور نبوده، از این رو، کارشناسان علوم اجتماعی اکنون دین و مذهب را یک عامل معنوی شمرده و گاه در برابر تنش دینی و مذهبی از عوامل اصلی هویت ملی بهره می گیرند که پراهمیت ترین عامل همبستگی مردم هر جامعه به شمار می آید (احمدی و الوند، ۱۳۹۱).

یکی دیگر از عوامل و شاخصه های فرهنگ سیاسی استان سیستان و بلوچستان مذهب گرایی و توجه به مذهب است. با توجه به اینکه در استان سیستان و بلوچستان دو مذهب شیعه و سنی وجود دارد این موضوع باعث شکل گیری جریانات سیاسی نیز شده است. حضور جریان ملی مذهبی که خاصه برخی از علمای اهل سنت در بدو امر از این جریان حمایت کرده و در دوره های نخست هم توانستند موفق عمل نموده و نمایندگانی را نیز به صحنه مجلس شورای اسلامی روانه سازند.

۲-۵-۴. عامل اقتصادی

از جمله عوامل ایجاد همبستگی ملی، عامل اقتصادی است، به گونه ای که نقش این عامل پررنگ تر از دیگر عوامل است. زیرا در بسیاری از موارد مشاهده شده است که افراد از جهات گوناگون مثل زبان، فرهنگ، نژاد و مذهب از یکدیگر متفاوت بودند ولی از نظر اقتصادی دارای هدفی مشترک و بر اثر همکاری برای نیل به این هدف به تدریج در همدیگر ممزوج و بانی یک کشور مستقل گردیده اند. کشور سوئیس از جمله این کشورهاست (یوردشاهیان، ۱۳۸۰).

۲-۵-۵. حمایت نهادی

سلطه قومی از دلایل عمده بروز خشونت های قومی در عرصه دولت و ملت هاست. سلطه قومی به معنای تسلط یک گروه قومی بر قدرت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی یک جامعه است. این وضعیت به طور خودکار وابستگی گروه های اقلیتی و دیگر گروه ها را در پی دارد که اغلب پس از کسب آگاهی از این رویه به ایجاد

نارضایتی و بروز خشونت و ناآرامی می‌انجامد. سلطه قومی گاه به شکل در اختیار گرفتن منابع کلیدی قدرت مثل پست‌های رده بالای سیاسی، نظامی و منابع انحصاری قدرت جلوه می‌کند. رویارویی گروه‌های مختلف اجتماعی و قومی وقتی گریزناپذیر می‌شود که هر یک از گروه‌های قومی خود را در وضعیت ناعادلانه ببینند. این تصور ذهنی یا عینی در حوزه‌های مختلف اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی امکان‌پذیر است.

۲-۵-۶. هم‌گرایی در مرزهای هم‌جوار

وجود یک قوم در دو طرف مرز، می‌تواند هر کدام از آنها را تشویق به تحریکاتی جهت تشکیل یک حکومت خودمختار کند. اگر علقه قومی نسبت به وطنی که در آن زندگی می‌کند، کم شود یا زیر سؤال برود و علقه و احساس نسبت به قوم خود ارجحیت یابد، قوم‌گرایی اساس تحرکات جهت دستیابی به یک حکومت واحد، خواهد بود (خندق‌آبادی، ۱۳۷۲). مرزهای کنونی بلوچستان در زمان قاجار و در اثر دخالت کشور انگلستان که منافع خود را در خاور ایران به‌ویژه در هندوستان یافته بود، به وجود آمد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۷).

۳. مشارکت سیاسی در استان سیستان و بلوچستان

تحول در نظام سیاسی کشور و تبدیل حاکمیت پادشاهی به جمهوری اسلامی؛ زمینه مشارکت به‌ویژه مشارکت سیاسی را فراهم نمود و این فرصت را به مردم همه استان‌ها داد تا با روندی نظام‌مند حضور بیشتری را در فرایند تصمیم‌گیری‌های ملی و منطقه‌ای داشته باشند. انتخابات مجلس شورای اسلامی یکی از این الگوهای نظام‌مند برای مشارکت مردم و دخالت آنان در سرنوشت خویش است.

۳-۱. مشارکت سیاسی (انتخابات) در سیستان و بلوچستان

در فرایند تثبیت جمهوریت در ایران، دخالت مردم در سرنوشت سیاسی خود جایگاهی ویژه گرفت و با نخستین انتخابات پارلمانی مصداق یافت. پاسخ به این سؤال که مردم مناطق خاص به‌ویژه مردم سیستان و بلوچستان، این آرمان را تا چه

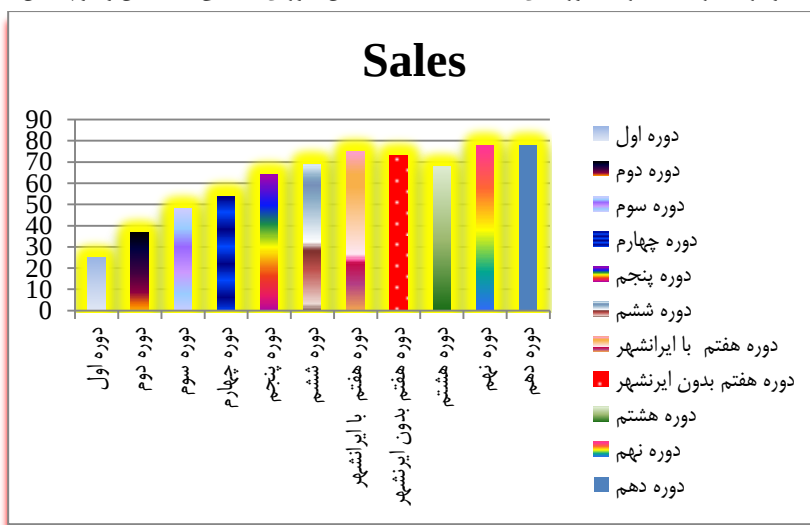
حد در عمل باور داشتند و چگونه می‌توان باور آنان را اثبات کرد. مطالعه‌ای را پیرامون روند مشارکت آنها در امور سیاسی در ابعاد کمی و کیفی طلب می‌کرد. در این مقاله مستخرج از گزارش طرح انتخابات پارلمانی استان سیستان و بلوچستان است با فرض اینکه مشارکت سیاسی مردم منطقه سیستان و بلوچستان برای دخالت در امور ملی رو به افزایش است. مشارکت سیاسی ایجادکننده تعامل عمیق و همه‌جانبه میان مرکز و پیرامون شده است و به گستردگی دامنه نفوذ جریانات سیاسی وابسته به حاکمیت در این منطقه پرداخته است.

بررسی مشارکت سیاسی در انتخابات

درباره انتخابات مجلس شورای اسلامی در استان تاکنون مطالعات مستقلی انجام نگرفته و به‌صورت پراکنده توسط دستگاه‌های ذی‌ربط به‌صورت مختصر آمار و ارقام ارائه و تحلیل‌های کوتاهی انجام گرفته است.

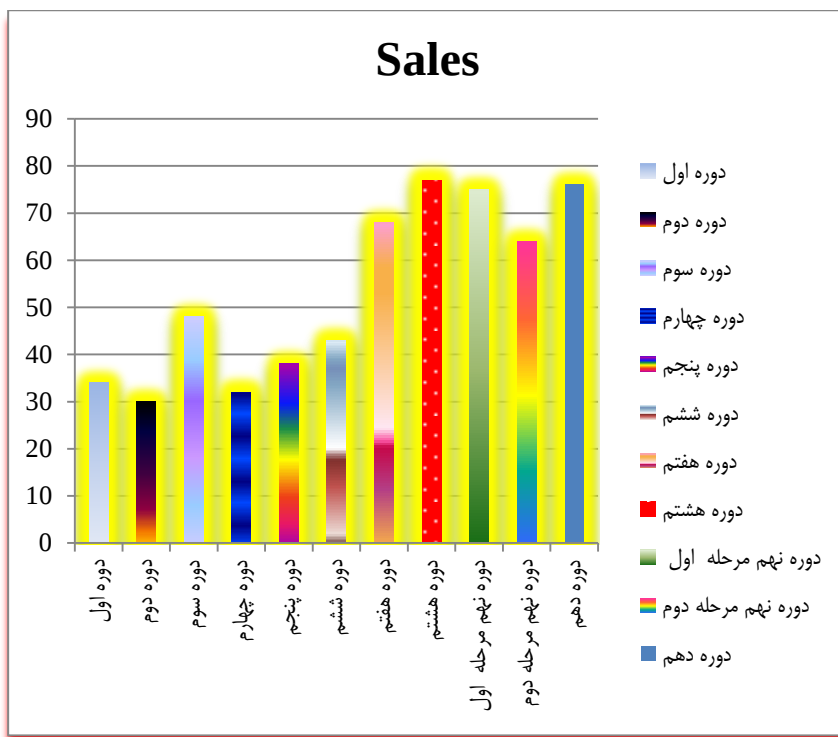
آمار و ارقام مربوط به رأی‌دهندگان به ۷ نماینده در ۶ حوزه انتخابیه استان سیستان و بلوچستان و رأی‌گیرندگان در آن حوزه‌ها به‌خوبی بیانگر نحوه حضور کمی و کیفی ساکنان این استان است.

نمودار ۱. درصد مشارکت دوره‌های مختلف انتخابات مجلس شورای اسلامی (سیستان و بلوچستان)



بر اساس نمودار ۱ بیشترین میزان مشارکت رأی‌دهندگان در انتخابات مجلس شورای اسلامی در ادوار مختلف مربوط به دوره نهم انتخابات به میزان ۷۸ درصد و کمترین مشارکت رأی‌دهندگان در انتخابات در دوره‌های مختلف مربوط به دوره نخست انتخابات به میزان ۲۵ درصد از کل واجدین شرایط رأی‌گیری است. لازم به یادآوری است که در دوره هفتم انتخابات حوزه انتخابیه ایرانشهر باطل شد.

نمودار ۲. درصد مشارکت دوره‌های مختلف انتخابات ریاست جمهوری (سیستان و بلوچستان)



بر اساس نمودار ۲ بیشترین میزان مشارکت رأی‌دهندگان در انتخابات ریاست جمهوری در ادوار مختلف مربوط به دوره هشتم انتخابات به میزان ۷۷ درصد و کمترین مشارکت رأی‌دهندگان در انتخابات در ادوار مختلف مربوط به دوره دوم انتخابات به میزان ۳۰ درصد از کل واجدین شرایط رأی‌گیری است. لازم به یادآوری است که دوره نهم انتخابات ریاست جمهوری در دو مرحله انجام پذیرفته است.

۳-۲. تأثیر شاخصه‌های فرهنگ سیاسی بر مشارکت سیاسی سیستان و بلوچستان

همان‌طور که اکثر کارشناسان امر واقف هستند مشارکت سیاسی در استانی چون سیستان و بلوچستان دستخوش جریانات سیاسی است، چراکه حضور احزاب در این استان کم‌رنگ یا بهتر بگوییم بی‌رنگ است و تنها عاملی که می‌تواند در فعل و انفعالات سیاسی همچون انتخابات مجلس شورای اسلامی نقش داشته باشد، همان جریان‌های سیاسی است. مهم‌ترین این جریانات حاکم بر سیمای سیاسی استان عبارتند از:

۳-۲-۱. قومیت‌گرایی

قومیت در سیستان و بلوچستان شامل دو قومیت بزرگ بلوچ و سیستانی بوده که این عامل خود نیز باعث شکل‌گیری جریانات سیاسی در مشارکت‌های سیاسی شده است. این جریان یک جریان مستقل بوده که بیشتر در اکثر قبایل و اقوام پرجمعیت چرخیده است. به‌عنوان مثال یک نفر از افراد بزرگ و صاحب نفوذ یک قبیله خود را داوطلب و به صورت مستقل، آرا لازم را جمع کرده و رهسپار مجلس می‌شود.

در شهرستان زابل و زهک و هیرمند: مردم منطقه بیشتر نگاه قومی و طایفه‌ای دارند و رقابت شدید بیشتر بر اساس قومیت شکل می‌گیرد، اگرچه نخبگی و تخصص نسبت به دوره‌های قبل نقش بیشتری یافته است؛ اما بازهم نسبت به قومیت در درجه دوم نقش ایفا می‌نماید. در شهرستان خاش، شهرهای نصرت‌آباد و میرجاوه: بافت مذهبی و یکسان دارند و بیشتر اهل تسنن می‌باشند و نگاه قومیتی حکم‌فرماست. شهرستان چابهار، کنارک و نیک‌شهر و بخش‌های مرکزی و قصرقند: در دوره اخیر عواملی چون قومیت و مذهب نقش اساسی در پیروزی افراد داوطلب داشته است.

۳-۲-۲. مذهب‌گرایی

یکی دیگر از عوامل و شاخصه‌های فرهنگ سیاسی استان سیستان و بلوچستان مذهب‌گرایی و توجه به مذهب است. مذهب به‌نوبه خود عاملی مهم و شاید مهم‌ترین عامل در مشارکت عمومی باشد. ادیان و مذاهب مشارکت‌جو مثل تشیع، افراد را به مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی دعوت می‌کنند. با توجه به اینکه در استان سیستان و بلوچستان دو مذهب شیعه و سنی وجود دارد این موضوع

باعث شکل‌گیری جریانات سیاسی نیز شده است.

در شهرستان زاهدان شکاف مذهبی باعث حضور مردم در پای صندوق‌های رأی می‌شود، به طوری که یک نماینده از اهل تشیع و یک نماینده از اهل تسنن به مجلس شورای اسلامی راه پیدا می‌کند و این شکاف مذهبی باعث ارتقاء مشارکت سیاسی مردم در صحنه انتخابات مجلس شورای اسلامی شده است. در دوره‌های نخست تا پنجم بیشتر نگاه سنتی و قومی مطرح بوده است، در صورتی که در ادوار اخیر به خصوص در بین شیعه به بحث نخبه‌گرایی بیشتر تکیه شده است و در بین تسنن نیز بیشتر نگاه مذهبی مطرح بوده است.

شهرستان ایرانشهر، دلگان، سرباز و توابع: شهرستان ایرانشهر به دلیل بافت تشیع که دارد و در بعضی از ادوار انتخابات مجلس شورای اسلامی (چهارم و ششم) نماینده شیعه بنام نورمحمد ربوشه به مجلس راه پیدا کرده و در اینجا نیز قومیت و مذهب مطرح است و در دیگر دوره‌ها نماینده اهل تسنن به مجلس شورای اسلامی راه پیدا کرده است.

۳-۲-۳. حزب‌گرایی

در سال‌های اخیر توجه به احزاب و جریان‌های سیاسی کشور نیز بر روند انتخابات و مشارکت‌های سیاسی در استان سیستان و بلوچستان تأثیرگذار بوده است. جامعه روحانیون مبارز که سهم به‌سزایی در پیروزی انقلاب اسلامی داشتند، بنابراین مردم نیز با اعتماد کامل به آنان حول و حوش این جریان گام نهادند.

۳-۲-۴. تحصیلات و نخبگی‌گرایی

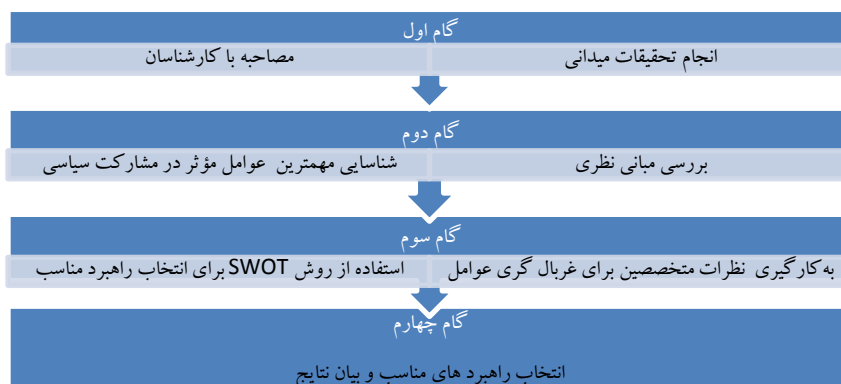
تحصیلات تأثیر دوسویه‌ای بر مشارکت افراد دارد. افراد با تحصیلات بالا ممکن است به خاطر آگاهی‌هایی که دارند در انتخابات شرکت یا از آن اجتناب کنند. تحصیلات عالیه و نخبگی نیز به عنوان عاملی مهم در جهت‌گیری جریان‌های سیاسی در استان سیستان و بلوچستان مشاهده شده است. **شهرستان سراوان، سیب سوران و زابل:** تحصیلات و نخبگی بیشتر از قومیت خودش را نشان داده است و مسئله قومیت یکی از شاخص‌های درجه دوم بوده است.

۴. روش تحقیق

پژوهش حاضر که با هدف «مدیریت راهبردی فرایند مشارکت سیاسی با بهره‌گیری از فرهنگ سیاسی در استان سیستان و بلوچستان» انجام می‌شود به لحاظ هدف کاربردی و از نوع توصیفی-اکتشافی با روش کیفی و از نوع مطالعات میدانی و با به‌کارگیری تکنیک SWOT^(۱) انجام می‌شود.

روش اس‌دبلیو‌آئی که در فارسی با نام تحلیل سوات هم شناخته می‌شود یکی از ابزارهای برنامه‌ریزی استراتژیک است که برای ارزیابی وضعیت داخلی و خارجی یک سیستم استفاده می‌شود. از این روش علاوه بر برنامه‌ریزی راهبردی به‌طور کلی در تحلیل وضعیت سازمان‌ها و سیستم‌ها استفاده می‌شود. درواقع این تحلیل را باید ابزاری کارآمد برای شناسایی شرایط محیطی و توانایی درونی بدانیم، پایه و اساس این ابزار کارآمد در مدیریت استراتژیک است. همچنین این پژوهش یک مطالعه موردی است. مطالعه موردی اختصاصاً، راهبرد مناسبی برای پاسخگویی به پرسش‌های مربوط به چگونگی و چرایی است و هدف آن تعیین عوامل و روابط میان عواملی است که بروز رفتار یا وضعیت موجود، در موارد تحت بررسی موجب شده است (حریری، ۱۳۸۵). انتخاب روش مناسب در یک پژوهش وابسته به اهدافی است که پژوهشگران مدنظر دارند. برای پاسخگویی به پرسش اصلی این پژوهش، سناریوی پژوهشی زیر طراحی شده است.

شکل ۱. فرایند انجام تحقیق



در گام نخست با مراجعه به اسناد موجود در دانشگاه و نهادهای سیاست‌گذاری و بررسی آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها، وضعیت مشارکت سیاسی شهروندان استان سیستان و بلوچستان بررسی شد. سپس در گام بعدی تحقیقات پیشین در این زمینه مورد مطالعه قرار گرفت و با استناد به نتایج آنها، مبانی نظری این تحقیق معرفی گردید، سپس مهمترین نقاط ضعف، قوت، فرصت و تهدید برای فرهنگ سیاسی استان سیستان و بلوچستان شناسایی شد.

جدول ۲. شناسایی مهمترین عوامل اثرگذار بر فرهنگ سیاسی استافن سیستان و بلوچستان

عوامل بیرونی		عوامل درونی	
فهرست تهدیدها	فهرست فرصتها	فهرست ضعفها	فهرست قوتها
عدم امنیت در کشور پاکستان	مذهب مشترک با کشورهای همسایه	ترندهای غیرمجاز از مرزها	حفظ ویژگی‌های ایرانی در قوم سیستانی
عدم امنیت در کشور افغانستان	فرهنگ بسیار نزدیک با مردم پاکستان و افغانستان	رواج فرهنگ طایفه‌ای	تحصیلات و نخبه‌گرایی
همگرایی در مرزهای هم‌جوار	امکان جذب سرمایه‌گذار به دلیل اشتراکات فرهنگی	نگرش‌های ستی و ضدتوسعه	همکاری و همدلی در جهت توسعه
نفوذ بسیار زیاد کشورهای غربی در افغانستان و پاکستان	انجام پروژه‌های مشترک با کشورهای همسایه	محرومیت شدید استان	مشارکت به دلیل حمایت‌های رابطه‌ای
حضور نیروهای معاند با نظام به‌صورت مسلحانه در کشورهای همسایه	ارسال نیروی متخصص جهت همکاری و توسعه روابط فرهنگی	درآمد سرانه پایین وجود اسلحه غیرمجاز و مواد مخدر	حضور طوایف و بهره‌گیری از توان سران طوایف در راستای پیشبرد اهداف و بهره‌گیری از پتانسیل قومیت در منطقه بلوچستان
تأثیرپذیری حاکمیت و اقلیت‌های کشورهای همسایه از استکبار جهانی	وجود راه‌های ارتباطی زمینی با کشورهای همسایه	فقدان مشارکت در فعالیت‌های سیاسی نرخ بیکاری بسیار بالا	وابستگی افراد استان به بسیج و نهادهای انقلابی
	کثرت نیروی جوان در استان		

در گام سوم با توجه به نظرات خبرگان، شرایط منطقه و استفاده از تکنیک SWOT به غربالگری این شاخص‌ها می‌پردازیم و در گام آخر نتایج و راهبردهای کاربردی برای بهبود مشارکت سیاسی را بررسی می‌کنیم.

جدول ۳. راهبردهای مشارکت سیاسی با توجه به عوامل داخلی و خارجی

عوامل داخلی / عوامل خارجی	قوت‌ها	ضعف‌ها
فرصت‌ها	راهبردهای تهاجمی	راهبردهای محافظه‌کارانه
تهدیدها	راهبردهای رقابتی	راهبردهای تدافعی

با توجه به مشخص شدن عوامل داخلی و خارجی، استراتژی‌های تهاجمی، محافظه‌کارانه، رقابتی و تدافعی برای روبرویی فرصت‌ها و تهدیدها با قوت‌ها و ضعف‌ها در نظر گرفته می‌شود. این راهبردها عبارتند از:

۴-۱. راهبردهای تهاجمی

حاکمیت فرهنگ مشارکت، تعلیم و همیاری در جامعه: عمده‌ترین عامل تأمین مشارکت، آگاهی، تمایل مردم، حاکمیت فرهنگ تعلیم و همیاری در جامعه است. لذا باید با فرهنگ‌سازی و استفاده از امکانات آموزشی و سمعی و بصری این باور را در جامعه گسترش و نهادینه کنیم که مشارکت، تعاون و همیاری، زمینه‌ساز جامعه‌ای مرفه‌تر و سعادت‌مند خواهد بود و تا زمانی که نتوان فرهنگ خودمحوری و خودپسندی را در جامعه از میان برداشت، تأمین مشارکت مردم امکان‌پذیر نخواهد بود و صداوسیما و دیگر نهادهای اطلاع‌رسانی، بستر مشارکت سیاسی مردم را از طریق اشاعه شاخص‌های اعتمادسازی فراهم می‌آورند.

آگاه‌سازی مردم و تشویق به مشارکت در تعیین سرنوشت خود: یکی از مهم‌ترین زیربناهای افزایش مشارکت سیاسی فرایند آگاه‌سازی است، شرح اهمیت جایگاه منتخبان در نظام تصمیم‌گیری و اجرایی کشور، شرح اهمیت حضور و مشارکت حداکثری در پای صندوق‌های رأی، شرح میزان تأثیرگذاری رأی تک‌تک افراد در انتخابات، شرح ابعاد شرعی ضرورت حضور در انتخابات، تبیین نقش مشارکت حداکثری در افزایش مشروعیت و اقتدار جمهوری اسلامی، بخشی از آگاهی‌هایی است که می‌تواند در این زمینه سودمند باشد. وظیفه اصلی آگاه‌سازی در این زمینه بر عهده رسانه‌ها و متنفذین و معتمدین است که انتظار می‌رود با هدایت‌های لازم و کافی، زمینه انجام وظایف آن‌ها به صورت اثربخش صورت گیرد.

۴-۲. راهبردهای محافظه‌کارانه

پیوند نیازهای روزانه افراد با فعالیت‌های اجتماعی: از آنجایی که منشأ مشارکت سیاسی و اجتماعی را می‌توان محتوای درونی انسان‌ها معرفی کرد و محتوای

درونی انسان‌ها نیز اندیشه و اراده او را تشکیل داده و زمینه پویایی و تکاپو را در جامعه پدید می‌آورد، لذا باید سعی شود با یکسری اقدامات زیربنایی زمینه پیوند، مسائل اجتماعی و ساختار زندگی بشر را فراهم کنیم.

اعتمادسازی گروه‌های مرجع: اعتمادسازی گروه‌های مرجع و تأثیرگذار و بانفوذ در میان جامعه، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند، زیرا افراد بی‌اعتماد به نظام سیاسی تنها از این گروه‌ها حرف‌شنوی دارند؛ بنابراین سعی شود با تشکیل احزاب دموکراتیک مطابق با قانون حکومتی در کنار رسانه ملی و مطبوعات ضمن مقابله با رسانه‌های شبهه‌افکن بیگانه، ابعاد پشت پرده و اغراض منفعت‌طلبانه آن‌ها با بصیرت‌افزایی، تلاش دشمن برای فریب افکار عمومی و در نتیجه، بی‌اعتمادسازی را با شکست مواجه نماییم، با توجه به اینکه این استان دارای تنوع و تعدد قومی و قبیله‌ای است (بیش از ۴۸ طایفه). در انتخابات باید به گونه‌ای عمل کرد که سطح اعتماد افراد به عنوان اصلی‌ترین رکن سرمایه اجتماعی افزایش یابد (اعتماد از فرایند بررسی صلاحیت و اعلام اسامی و تعداد شعب اخذ رأی و شمارش آراء و اعلام برنده‌شدن داوطلب است).

توجه به نقش مردم به عنوان سرمایه اجتماعی در انتخابات: از آنجایی که برجسته‌ترین نماد مردم‌سالاری و توسعه‌یافتگی انتخابات است، بنابراین برگزاری سالم این مهم می‌تواند نقش مردم را به عنوان یک سرمایه اجتماعی برای توسعه این استان رقم بزند و شمارش و اعلام نتایج آراء به صورت دقیق باعث اعتماد مردم نسبت به حکومت شده و در نتیجه باعث افزایش مشارکت سیاسی آنان می‌گردد. شمارش سنتی و دستی باید به الکترونیک و مکانیزه تبدیل شود، این مهم در استانی مثل استان سیستان و بلوچستان با تعدد اقوام و مذاهب دقت بیشتری را می‌طلبد.

۴-۳. راهبردهای رقابتی

تشکیل ارگان‌های محلی و مردمی مقتدر: تجربیات مختلف نشان می‌دهد کشورهایی که در زمینه تأمین مشارکت مردم موفق بوده‌اند، عمدتاً موفقیت خود را مدیون ایجاد نوعی ارگان محلی (دولت محلی) با اقتدار به نسبت زیاد می‌دانند. در کشور ایران نیز

می‌توان با پررنگ کردن نقش معتمدان طوایف، زمینه ایجاد پایگاه‌های مردمی قوی را فراهم نماییم و در کنار تشکل‌هایی از قبیل بسیج طوایف از این امکان جهت افزایش مشارکت استفاده کنیم و با توجه به تعدد اقوام و مذاهب در استان سیستان و بلوچستان گروهی از ریش‌سفیدان و نخبگان برای معرفی اصلح‌ترین افراد برای ایفای نمایندگی تشکیل شود. البته سعی گردد شاخص تعیین این افراد به‌دوراز مذهب، قوم و قبیله است و ریش‌سفیدان و نخبگان و متنفذان اجتماعی و دولتمردان استان باید زمینه‌ای را فراهم آورند که افراط‌گرایی سیاسی به حداقل و مشارکت فعالانه مردم به حداکثر برسد تا بتوان به کمک این مشارکت سیاسی افرادی انتخاب شوند که توانایی پاسخگویی به مطالبات مردم را داشته باشند.

۴-۴. راهبردهای تدافعی

پذیرش اشتباهات و همدلی با مردم: برای افزایش رضایتمندی ساکنان این استان، مسئولان و دستگاه‌های اجرایی وظیفه دارند که با اصلاح رفتار و ارائه پاسخ و عذرخواهی از سوءمدیریت‌ها و تلاش برای جبران کاستی‌ها برای کسب رضایت تلاش کنند. ضمن آنکه معتمدان، متنفذین کارشناسان متخصص وظیفه دارند تا با توجه جامع، سعی در تبیین حضور فعال در انتخابات و گزینش به‌عنوان بهترین راهکار برای حل معضلات کشور نمایند.

۵. استراتژی‌های ارجح‌تر با توجه به ماتریس داخلی و خارجی

شکل ۲. ماتریس داخلی خارجی. IFE: ارزیابی عوامل داخلی. EFE: ارزیابی عوامل خارجی



با توجه به چهار دسته استراتژی قرار گرفته در ماتریس سوات و با توجه به منطقه قرار گرفتن وضعیت استان سیستان و بلوچستان در ماتریس داخلی و خارجی، آن دسته از استراتژی‌هایی را جهت ارزیابی و انتخاب در ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی انتخاب می‌کنیم که مربوط به منطقه تعیین شده در ماتریس چهار خانه‌ای داخلی و خارجی باشند.

با توجه به امتیازات به دست آمده برای IFE^۱ و EFE^۲ وضعیت مشارکت در استان سیستان و بلوچستان به نحوی است که بهتر است از استراتژی‌های محافظه کارانه یعنی پیوند نیازهای روز افراد با فعالیت‌های اجتماعی، اعتمادسازی گروه‌های مرجع و توجه به نقش مردم به عنوان سرمایه اجتماعی در انتخابات، به عنوان راهکارهایی برای مشارکت بیشتر مردم در امور سیاسی استفاده کرد.

نتیجه‌گیری

معمولاً گرایش‌های حزبی، صنفی، گروهی، اجتماعی و سیاسی مردم و واکنش آنان در برابر رفتار حکومت در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به پیش‌زمینه‌های آگاهی بستگی دارد. در متون اسلامی نیز به پایه‌های تفکری دینی و اجتماعی انسان در مشارکت توجه شده است. میزان مشارکت مردم سیستان و بلوچستان در تمامی دوره‌ها نشان می‌دهد که مردم به مشارکت سیاسی به عنوان یک راهبرد پی برده و نقش خود را در قالب شرکت در انتخابات نشان داده‌اند و این افزایش در تمامی حوزه‌های انتخابی مشاهده می‌شود. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته عواملی از قبیل تحصیلات و سطح دانش، وابستگی سیاسی، مذهب‌گرایی و وابستگی قومی از مهمترین فاکتورهای برتری افراد در حوزه‌های رقابت انتخاباتی محسوب می‌شود. توجه به مذهب علاوه بر نخبگی و تخصص در زاهدان بیشتر از سایر حوزه‌های انتخابی دیده می‌شود و این مهم باعث همگرایی بیشتر بین اقوام مختلف به تفکیک شیعه و سنی گردیده است. مشارکت سیاسی مردم استان از نظر کمی و کیفی باعث همگرایی متنفذان اجتماعی و تأثیرگذاران در

1. Internal Factor Evaluation

2. External factor evaluation

انتخابات که می‌توانند به‌عنوان مرجع‌های تبعی در مشارکت نقش داشته باشند، گردیده است.

درمجموع می‌توان نتیجه گرفت که تا پایان دوره چهارم بیشتر نقش مشارکت سیاسی تبعی بوده و بعدازآن فرهنگ سیاسی جای خود را به مشارکت سیاسی داده است. به‌طوری‌که تا پایان دوره مذکور انتخاب‌شوندگان حداکثر مدرک لیسانس بوده است؛ اما از دوره پنجم به بعد با توجه به انتظاری که مردم از نمایندگان دارند این مسئولیت را افرادی با مدرک دکترا دارا می‌باشند و این به‌عنوان شاخص مشارکت سیاسی مردم است. برای اینکه انتظارات مردم برآورده شود و این انتظارات از دوره پنجم به بعد شدت بیشتری یافته است، نمایندگان سعی کرده‌اند در کمیسیون‌هایی از مجلس شرکت نمایند که بیشتر ماهیت خدماتی و اختصاصی داشته باشد تا فعالیت آنها برای مردم بیشتر مأنوس شود، به همین علت است که رغبت کمتری به عضویت در کمیسیون‌های مثل آموزشی و فرهنگی و حقوقی دارند. در استان‌های برخوردار این موضوع مصداق دارد، لذا از آنجایی که میزان آگاهی سیاسی و اجتماعی شهروندان با میزان و کیفیت جریان اطلاعات، سهولت دسترسی به آن و اعتماد عمومی به منابع کسب اطلاعات، رابطه‌ای مستقیم داشته است. راهکارهای زیر به جهت افزایش مشارکت سیاسی در استان سیستان و بلوچستان و در کنار تمامی راهکارهای مهم می‌توان از برخی اقدامات مقطعی نیز برای بهبود رضایت عمومی در آستانه برگزاری انتخابات استفاده کرد که از آن جمله تبلیغات مؤثر داوطلبان انتخاباتی؛ توجه ایشان به نیازهای اصلی جامعه؛ کنار گذاشتن اختلافات بین اقوام و مذاهب گوناگون در استان؛ پرهیز از تصویب و اجرای قوانینی که در آستانه انتخابات موجب افزایش فشار بر توده‌های ملت شود؛ نظارت و ایجاد ثبات در اقتصاد در آستانه انتخابات؛ اتمام و راه‌اندازی پروژه‌هایی که می‌تواند موجب افزایش خدمات عمومی گردد؛ تصویب یکسری پروژه‌ها و اعطای امتیازاتی به ساکنان استان از قبیل کاهش هزینه‌های مصرفی، آب و برق با توجه به محرومیت و سطوح پایین درآمدی در این استان و... نمونه‌ای از این قبیل اقدامات است.

پی‌نوشت

۱. اس‌دبلیو‌آئی در انگلیسی حروف اول کلمات قوت (Strength)، ضعف (Weakness)، فرصت (Opportunity) و تهدید (Threat) است.

منابع

- ابراهیمی، شهرز، داود نجفی، رضا محموداوغلی و زهرا صادقی نقدعلی (۱۳۹۲). «رابطه شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی درمیان دانشجویان دانشگاه اصفهان»، راهبرد، شماره ۶۶، ۲۸۴-۲۶۳.
- اخترشهر، علی (۱۳۸۶). *مؤلفه‌های جامعه‌پذیری سیاسی در حکومت دینی*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد، حورا ابراهیمی‌پور، محمودرضا رهبر قاضی (۱۳۹۲). «سنجشی رابط فرهنگ سیاسی و رفتار سیاسی دانشجویان دختر دانشگاه اصفهان»، زن در توسعه و سیاست، سال یازدهم، شماره ۱، ۱۳۴-۱۱۹.
- پناهی، محمدحسین و حسین کردی (۱۳۸۹). «فرهنگ سیاسی و عوامل اجتماعی آن (مطالعه موردی: استان گلستان)»، علوم اجتماعی، شماره ۵۱، ۳۷-۱.
- جعفری‌نیا، غلامرضا (۱۳۹۱). «بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی شهروندان شهر خورموج»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره ۲۶، ۸۷-۱۲۲.
- جهانگیری، جهانگیر و فاطمه ابوترابی‌زارچی (۱۳۹۱). «بررسی تأثیر میزان استفاده از رسانه‌های جمعی بر مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی دانشجویان (مطالعه موردی دانشگاه شیراز)»، علوم سیاسی، شماره ۲۸، ۱۲۲-۸۹.
- دارابی، مسعود (۱۳۹۴). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی افراد در استان همدان (مطالعه موردی: شهر نهاوند)»، مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، شماره ۱۷، ۸۴-۵۷.
- عطارزاده، مجتبی و زهره مرندی (۱۳۹۱). «بررسی مشارکت سیاسی در کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس بر پایه نظریه الزام سیاسی»، مطالعات خاورمیانه، شماره ۶۸، ۳۵-۶۶.

- قالیباف، محمدباقر و سیدمحمدجواد شوشتری (۱۳۹۲). «تأثیر فرهنگ سیاسی بر مشارکت شهروندان در حکومت محلی (مطالعه موردی: تهران)»، پژوهش‌های جغرافیایی/انسانی، سال چهل و پنجم، شماره ۸۴، ۸۲-۶۹.
- گل‌ابی، فاطمه و فتانه حاجیلو (۱۳۹۱). «بررسی جامعه‌شناسی برخی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: استان آذربایجان شرقی)»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دوره اول، شماره ۱، ۲۰۰-۱۷۳.
- محمدی‌فر، نجات، حسین مسعودنیا و گل‌مراد مرادی (۱۳۹۰). «بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه اصفهان)»، مطالعات فرهنگ-ارتباطات، شماره ۱۶، ۲۳۴-۲۰۳.
- نظری، سیدغنی، حسین بشیری‌گیوی و سعید جنتی (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر مشارکت سیاسی بر توسعه سیاسی (مورد مطالعه: جوانان شهر خلخال)»، مطالعات توسعه اجتماعی/ایران، سال ششم، شماره ۱، ۱۴۶-۱۳۷.
- نوابخش، مهرداد و سروش فتحی (۱۳۹۰). «درآمدی بر مفهوم شناسی و زمینه‌های مشارکت سیاسی زنان با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات سیاسی، سال سوم، شماره ۱۲، ۴۴-۱۷.